



مناظره خواندنی امام جواد(ع) با یحیی بن اکثم

«یحیی بن اکثم» قاضی القضاات بصره، خود را فاتح میدانی می‌دید که در سوی دیگر آن نوجوانی نشسته است که هنوز محاسن به صورت ندارد. اما پاسخ‌های مستند و روشن‌گر امام جواد(ع) عیش فاتحانه یحیی را تلخ کرد.

«یحیی بن اکثم؛ قاضی القضاات بصره، خود را فاتح میدانی می‌دید که در سوی دیگر آن نوجوانی نشسته است که هنوز محاسن به صورت ندارد. اما پاسخ‌های مستند و روشن‌گر امام جواد(ع) عیش فاتحانه یحیی را تلخ کرد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، شیخ طبرسی در کتاب الاحتجاج خود از امام جواد(ع) مناظرات متعددی نقل کرده که به عنوان نمونه به یکی از آن‌ها که مختصر و مربوط به مسائل اعتقادی است اشاره می‌شود. با تذکر این نکته که امام با حفظ تقیه، این مناظره را انجام داده است.

این مناظره میان امام جواد(ع) و «یحیی بن اکثم؛ از علمای درباری بنی‌العباس صورت گرفته است. از همین رو شایسته است پیش از نقل این مناظره، نگاهی گذرا به زندگی این عالم درباری داشته باشیم.

* مختصری درباره یحیی بن اکثم

یحیی یکی از دانشمندان نامی زمان مأمون خلیفه عباسی بود که شهرت علمی او در رشته‌های گوناگون علوم آن زمان، زبانزد خاص و عام بود، او در علم فقه تبر فوق العاده‌ای داشت و با آنکه مأمون خود از نظر علمی وزنه بزرگی بود ولی چنان شیفته مقام علمی یحیی بود که اداره امور مملکت را به عهده او گذاشت و با حفظ سمت، مقام قضاء را نیز به وی واگذار نمود. یحیی علاوه بر اینها دیوان محاسبات و رسیدگی به فقراء را نیز عهده‌دار بود.

خلاصه آنکه تمام کارهای کشور زیر نظر او بود و چنان در دربار مأمون تقرب یافته بود که گویی نزدیک‌تر از او به مأمون کسی نبود. اما متأسفانه یحیی با آن مقام بزرگ علمی، از شخصیت معنوی برخوردار نبود. او علم را برای رسیدن به مقام و شهرت و به منظور فخرفروشی و برتری‌جویی فراگرفته بود. هر دانشمندی به دیدار او می‌رفت، از علوم گوناگون از وی سؤال می‌کرد تا طرف به عجز خود در مقابل وی اقرار کند.

یحیی 21 ساله بود که به مقام قضاوت رسید. بزرگان «بصره؛ او را مورد استهزاء قرار دادند و خواستند او را آزمایش کنند، به این منظور از وی پرسیدند: سن قاضی چقدر باید باشد؟ گفت به اندازه سن «عتاب بن اسید؛ که پیغمبر(ص) بعد از فتح مکه او را به اداره امور مکه منصوب کرد. یحیی در روزهای اول قضاوت، شاهد نمی‌پذیرفت تا اینکه قضاوت مختل شد. یحیی، حق فقرا را پایمال می‌کرد تا اینکه فقرا جمع شدند و حق خودشان را مطالبه کردند، در جواب گفت: آیا مأمون چیزی پیش من گذاشته که شما مطالبه می‌کنید؟ او به حرف آنها گوش نداد و دستور بازداشت آنان را صادر کرد.

* دلایل طراحی چنین مناظره‌ای از سوی عباسیان

بعد از آن که مأمون ام‌الفضل - دختر خود - را به تزویج حضرت جواد(ع) در آورد، در نظر داشت مجلس جشنی تشکیل دهد ولی انتشار این خبر میان بنی‌العباس انفجاری به وجود آورد. بنی‌عباس اجتماع کردند و با لحن اعتراض‌آمیزی به مأمون گفتند این چه برنامه‌ای است؟! اکنون که علی بن موسی از دنیا رفته و خلافت به عباسیان رسیده، باز می‌خواهی خلافت را به آل علی برگردانی؟! بدان که ما نخواهیم گذاشت، آیا عداوت‌های چند ساله ما بین ما را فراموش کرده‌ای؟!

به همین دلیل، بنی‌العباس برای تحقیر شیعیان، مناظره‌ای را میان امام جواد(ع) و یحیی بن اکثم ترتیب داد تا به قول خودشان برتری علمی خود را بر شیعیان اثبات کنند ولی زهی خیال باطل! چرا که «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛

* گزارشی از مناظره امام جواد با یحیی بن اکثم

یحیی بن اکثم با جماعت بسیاری نزد آن حضرت و مأمون آمد و گفت: ای پسر رسول خدا! نظر شما درباره روایتی که [در مدارک اهل سنت] نقل شده است که «خداوند جبرئیل را فرستاد تا از پیامبر(ص) بخواهد که از ابابکر سؤال کند: آیا او از خداوند راضی هست یا نه؟ با این که خداوند از او راضی می‌باشد؛ چیست؟

امام جواد (ع) فرمود: من منکر فضیلت ابابکر نیستم، ولی بر ناقل این سطور لازم است که طبق دستور پیامبر (ص) عمل کند. پیامبر اکرم (ص) در حجة‌الوداع فرمود: «بعد از من جاعلان حدیث فراوان می‌شوند، لذا باید احادیث را بر قرآن و احادیث عرضه کنید؛ هر حدیثی که موافق قرآن و سنت من باشد به آن عمل کنید و اگر مخالف آن دو بود، بدان عمل نشود.« این خبر موافق با قرآن نیست، زیرا خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَتَعْلَمُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَتَحْنُ اقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ

حَبْلُ الْوَرِيدِ؛ ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم و ما از رگ قلبش به او نزدیک تریم؛ آن گاه چگونه می‌شود خداوند از رضایت و غضب ابابکر نسبت به خود بی‌خبر باشد، تا نیاز به سؤال داشته باشد؟ این عقلاً محال است.

یحیی گفت: روایت شده که ابابکر و عمر در زمین مانند جبرئیل و میکائیل در آسمان هستند؟

امام فرمود: در این حدیث هم باید دقت کرد، چرا که آن دو فرشته از فرشتگان مقرب بوده، لحظه‌ای از طاعت خدا جدا نشدند و هرگز خدا را معصیت نکردند، و حال آن که آن دو مشرک بودند، بعد مسلمان شدند و اکثر عمر خود را در شرک به سر بردند. آن گاه چگونه می‌توانند همسان جبرئیل و میکائیل باشند؟

یحیی گفت: در روایات آمده که آن دو (ابابکر و عمر)، پیر مردان اهل بهشتند، در این زمینه چه می‌گویید؟

امام فرمود: این نیز محال است! چون بهشتی‌ها همه جوانند و در آن جا پیرمردی وجود ندارد. این روایت را بنی‌امیه در مقابله با آن روایتی که می‌گوید: 171#& حسن و حسین آقای جوانان بهشتی‌اند؛ ساختند.

یحیی گفت: نقل شده که عمر بن خطاب چراغ اهل بهشت است.

امام فرمود: این هم محال است، چرا که در بهشت فرشتگان مقرب، پیامبران، آدم و محمد (ص) حضور دارند. چگونه بهشت با نور آن‌ها روشن نشده که نیاز به نور عمر باشد؟

یحیی گفت: نقل شده که پیامبر (ص) فرمود: اگر من مبعوث نمی‌شدم، 171#& عمر بن خطاب؛ به جایی من مبعوث می‌شد.

حضرت فرمود: قرآن راست‌گوتر از این حدیث است، آن جا که می‌فرماید: 171#& وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ و هنگامی که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم. آن گاه چگونه پیمان خداوند عوض می‌شود؟ از این گذشته، پیامبران به اندازه پلک‌زدنی مشرک نشدند، چگونه کسی به رسالت مبعوث می‌شود در حالی که اکثر عمر خود را در شرک به سر برده است؟

یحیی گفت: در روایت آمده که پیغمبر (ص) فرمود: اگر عذاب نازل شود، جز عمر کسی از آن رهایی نمی‌یابد.

حضرت فرمود: این هم محال است، چرا که خداوند می‌فرماید: 171#& وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ خداوند تا تو (پیامبر) در میان آن‌ها باشی، آن‌ها را عذاب نخواهد کرد و مادامی که به درگاه خدا توبه و استغفار کنند، [باز هم] آن‌ها را عذاب نخواهد کرد. می‌بینید که برای نزول عذاب دو مانع ذکر شده است و لا غیر: وجود مبارک پیامبر (ص) بین مردم و توبه و استغفار مردم.

* پیامدهای پیروزی امام جواد (ع) بر یحیی بن اکثم در مناظره

انجام چنین مناظره‌ای و پیروزی امام جواد علیه‌السلام چند پیامد مثبت داشت. نخست این که؛ با توجه به اینکه امام جواد (ع) در خردسالی به امامت رسید، عباسیان فکر می‌کردند او از نظر علمی ناتوان است و از این رو با ترتیب چنین مناظراتی سعی می‌کردند شخصیت او را تحقیر کنند. پیروزی امام در مناظره با پاسخ‌های قاطع و روشن‌گر، هر گونه شک و تردید را درباره پیشوایی او و نیز اصل امامت از بین برد. دوم این که؛ این مناظره خط بطلانی بر بسیاری از احادیث جعلی کشید. احادیثی که به دستور حاکمان غاصب و برای تثبیت حکومت غصبی آنان توسط عده‌ای انسان خود فروخته جعل شده است و موجب انحراف در امت اسلامی بود.